

چند خط تاریخ

ناگفته‌هایی از چگونگی آغاز استبداد صغیر

۴ ساعت سلاخی در «باغشاه»



بازداشت‌شدگان باغشاه

«مستشار الدوله»، یکی از شاهدان وقایع روز به‌توپ بستن مجلس شورای ملی در تهران، در خاطرات خود می‌نویسد: «همین که [قزاق‌ها] نزدیک شدند، هنگامه دل‌گذاری برپا شد که به گفتن راست ناپید. بیش از همه به دستارداران (روحانیان) پرداخته، تو گویی کینه‌همه را [ایشان باز می‌جستند؛ می‌زدند، دشنام می‌دادند، رخت از تن هایشان می‌کنند. من کنار درختی ایستاده بودم و چون مرا از شمار ایشان نمی‌گرفتند، کاری با من نداشتند؛ ولی از آسیبی که به آقایان می‌رساندند، دلم نزدیک بود بترکد. بهبهانی و طباطبایی را چندان زنده که اندازه نداشت. یکی از این روسی‌ها می‌شت یا قنداق تفنگ می‌نواخت و آن یکی فرصت نداده، از آن‌رو مشت یا سیلی می‌خواست. دیدم سر برهنه آقا سیدعبدا...

[بهبهانی]، در هوا این‌رو و آن‌رو می‌رفت. در همه این اسباب‌ها تنها سخنی که از زبان ایشان بیرون می‌آمد جمله لا اله الا... بود. روز دوم تیرماه سال ۱۲۸۷، یکی از مهم‌ترین وقایع تاریخ معاصر ایران رخ داد. در این روز، کلنل لیاخوف روس، به فرمان محمدعلی شاه، مجلس را به‌توپ بست و مشروطه را تعطیل کرد. باوجود اهمیت این واقعه و تأثیری که بر سرنوشت مردم ایران داشت، کمتر از حوادثی که در آن روز نامیوم به‌وقوع پیوست، سخن به میان می‌آید و مورخان، بعضاً، عادت کرده‌اند که به واقعه به‌توپ بستن مجلس، از در پیچه وقایع بعد از آن، از جمله قیام مردم تبریز و نهایت، فتح تهران، بنگرند و سخنی از جنایات و خون‌ریزی‌های مستبدان، نمی‌گویند. با این حال، در برخی متون تاریخی و به ویژه خاطراتی که از شاهدان عینی باقی مانده است، می‌توان وقایع تلخ آن روز را مرور کرد. سفیر وقت فرانسه در خاطراتش می‌نویسد: «من همان روز عصر از میدان جنگ و خیابان‌های اطراف بهارستان بازدید کردم، سطح میدان بهارستان آغشته به خون بود، در برخی جاها مقدار خون به قدری زیاد بود که اگر کسی می‌خواست عبور کند تا میچ پا در خون فرو می‌رفت. کف خیابان جلو مسجد سپهسالار و خیابان ظل السلطان و چراغ‌برق پر از خون بود.» تعداد کسانی که در این واقعه کشته شدند، هیچ‌گاه مشخص نشد. قزاق‌ها به فرماندهی لیاخوف، آیت... سیدجمال افجه‌ای و کسانی را که همراه او، برای کمک به نمایندگان مجلس به سمت بهارستان می‌رفتند هم به گلوله بستند. نیروهای استبداد تعدادی از مشروطه‌خواهان را با درشکه به باغشاه منتقل کردند و افرادی مانند ملک‌المتکلمین و میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل را به دستور شاه‌ودر حضور او، خفه کردند. برخی را مانند قاضی ارداقی، ابتدا با سمسموم کردند و سپس به فجیع‌ترین شکل ممکن به قتل رساندند و قطعه قطعه کردند. این توحش کم‌سابقه چهار ساعت ادامه داشت.

## خراسان

پذیرش غیر ضروری آگهی های تریک، تدر و تکر

پذیرش تلفنی:

# ۳۷۰۰۹۹۹۹

پذیرش تلگرافی:

# ۰۹۱۵۴۷۱۱۳۰۰



ماجرای آشنایی ناصرالدین شاه با یوسف بخشی، از مجالس طرب شاهی آغاز شد؛ جناب بخشی نوازنده چیره دستی بود و می‌گویند در نواختن سازهای غربی و از جمله ویولن هم، تبحر خاصی داشت

به همین دلیل، شاه که از سان دیدن‌های مکرر و باز دیدهای ملال‌آور، خسته شده بود و از طرفی، شورش‌های گاه‌وبی‌گاه اطراف و انکشاف کشور و اخباری که درباره توطئه برادران و پسر عموهایش، آشکار و پنهان واصل می‌شد، نگرانش کرده بود، تصمیم گرفت یوسف‌خان بخشی را به جای خودش جابزند و به این طرف و آن طرف بفرستد. نگاهی به روزنامه‌های خاطرات ناصرالدین شاه نشان می‌دهد که او طی کمتر از ۵۰ سال سلطنتش، کمتر روزی را به خوشی و تفریح نمی‌گذراند و از طرفی دیدارهای نه چندان مرتب او از این شهر و آن مرکز، شگفتی خواننده را برمی‌انگیزد که وی، چگونه چنین نظم و نسقی را برای اداره امور به کار می‌بست؟

از این نظم و نسق ظاهری را باید در وجود بدلی مثل یوسف‌خان بخشی جست‌وجو کرد. یوسف‌خان اصالتاً کلیمی بود؛ در دوره قاجار، کلیمی‌ها بخش مهمی از نوازندگان حرفه‌ای را تشکیل می‌دادند و بعدها، موسیقی دانان مشهوری مانند مرتضی‌نی داوود نیز، از میان اقلیت کلیمی ایران برخاستند. یوسف‌خان در ابتدای کار، وظیفه داشت که در مجالس عمومی پایتخت، به جای ناصرالدین شاه حاضر شود؛ هنوز وسایل عکاسی آن قدر عمومیت نداشت و حتی بیشتر مردم پایتخت نیز، شاه را همیشه از

جواد نوابیان رودسری – در طول تاریخ، همیشه مستبدان و دیکتاتورها، نسبت به جانشان بیمناک بوده‌اند؛ هم از ترس مخالفان و ترورهای احتمالی و هم به دلیل علاقه به بقا و زنده ماندن. برای دومی، البته راه چاره‌ای وجود نداشت؛ به قول پرویز ناتل خانلری، «گرچه از عمر دل سیری نیست / مرگ می‌آید و تدبیری نیست!» امامی شد برای جلوگیری از اولی، تمهیداتی اندیشید؛ یکی از مهم‌ترین این تمهیدات، انتخاب بدل و بلاگردان بود؛ یعنی آدم بخت برگشته‌ای که به جای آن مستبد یا دیکتاتور در انظار عمومی ظاهر شود تا اگر قرار است تیرغیبی برسد و زندگی کسی را تهدید کند، آن بیچاره دم‌پربلا باشد و شرتنگ تلخ مرگ را سر بکشد! آخرین باری که در باره این جور بدل‌ها شنیدیم، همین چند سال پیش و زمان فروپاشی قدرت معمر قذافی در لیبی و پیش از آن، در ماجرای صدام بود. اما شاید کمتر شنیده باشید که ناصرالدین شاه خودمان هم برای حفظ جانش از بدل استفاده می‌کرد؛ بله! همین ناصرالدین شاهی که سه بار سفر فرنگ رفت و دوست داشت با عنوان سلطان صاحبقران و قبله عالم خطاب شود؛ همین ناصرالدین شاهی که در باره رفتارهای عجیب و غریبش، بارها در همین صفحه نوشته‌هایی را منتشر کرده‌ایم. بگذریم؛ این بار قصد داریم درباره بدل ناصرالدین شاه، مطالبی را به شما خوانندگان ارجمند عرضه کنیم.

#### ■ نوازنده‌ای که بدل شد

اطلاعات تاریخی ما درباره بدل یا بدل‌های ناصرالدین شاه زیاد نیست؛ دلشیش هم کاملاً معلوم است؛ اگر قرار باشد همه از موضوع بدل آگاه باشند که دیگر مسئله لو می‌رود و بودن یا نبودن بدل، مشخص شده راه‌حل نمی‌کند! ماجرای آشنایی ناصرالدین شاه با یوسف بخشی، بدلی که می‌خواهیم درباره او صحبت کنیم، از مجالس طرب شاهی آغاز شد؛ جناب بخشی نوازنده چیره دستی بود و می‌گویند در نواختن سازهای غربی و از جمله ویولن هم، تبحر خاصی داشت. شاه هم که کلاً اهل عشق و صفا بود، از وجات آقای بخشی خوشش آمد و هنر او را برای سرگرمی، غنیمت دانست. به تدریج، یوسف بخشی با هنرش، به شاه نزدیک و نزدیک‌تر شد و در حلقه نزدیکان قبله عالم قرار گرفت. او مردی آداب‌دان بود و البته، نوع رفتار و تا حدی ظاهرش، با ناصرالدین شاه همخوانی داشت.

درباره «یوسف بخشی»، نوازنده ویولنی که بدل ناصرالدین شاه قاجار شد

# بلاگردان سلطان صاحبقران



نگاره‌ای متفاوت از ناصرالدین شاه قاجار با کلاه سیلندری

ترک کرد و با مواجبی دایمی، به کار تدریس موسیقی در تهران پرداخت؛ او آن قدر زنده ماند که دوران پرفراز و نشیب مظفرالدین شاه، محمدعلی شاه و احمدشاه را ببیند و در سال ۱۳۰۷ ه.ش، در دوره شاهشاه، در ۷۶ سالگی، چشمش از جهان فروبندد. با این حال، برخی مورخان در وجود بدل برای ناصرالدین شاه تردید دارند و می‌گویند که شاه قاجار فردی ناشناخته نبود و اگر بدلی برمی‌گزید، بی‌شک در جایی به آن اشاره می‌کرد؛ در تقابل این دو مسئله، البته مدارک طرفداران وجود بدل کمتر است و به حکم «البینه علی المدعی»، باید اسناد و مدارک بیشتری در این زمینه عرضه شود؛ اما نباید فراموش کرد که تاریخ، همواره شگفتی مخاطبانش را برمی‌انگیزد و بسیار اتفاق می‌افتد که با یافت شدن اسناد جدید، معادلات و مسائل پذیرفته شده تاریخ، در منظر مورخان رنگ می‌بازد و سمت و سویی دیگر می‌یابد. در مورد یوسف‌خان بخشی نیز، باید منتظر اسناد بیشتری ماند؛ هم برای اثبات دقیق تر ماجرای بدل و هم برای کشف جزئیات بیشتر زندگی او.

#### ■ وقتی اجل برسد...

با این حال، وقتی اجل فردی فرا می‌رسد، گریز از آن امکان پذیر نیست؛ ماجرای ترور ناصرالدین شاه هم، این چنین رقم خورد. میرزا رضا کرمانی که پیش از این قصد داشت شاه را در باغ یکی از اعیان تهران به قتل برساند، از قضا منصرف نشد و تصمیم به ترور شاه در حرم حضرت عبدالعظیم گرفت؛ جایی که ناصرالدین شاه، چند روز قبل از رسیدن سلطنتش به ۵۰ سالگی، تصمیم گرفت به همراه رعایا، زیارت کند. می‌گویند یوسف‌خان بخشی، مدتی پس از قتل سلطان صاحبقران، قصور را برای همیشه

**هیئت امنای محله ۸ شهر جدید گلپار**

در نظر دارد دو قطعه زمین با کاربری آموزشی به مساحت تقریبی ۵۰۰۰ و ۶۰۰۰ مترمربع واقع در محله ۸ شهر جدید گلپار را جهت احداث فضاهای آموزشی از طریق مزایده به متقاضیان واگذار نماید. علاقه‌مندان جهت اطلاع بیشتر حداکثر تا تاریخ ۹۸/۸/۲۵ به دفتر شرکت تعاونی مسکن آب منطقه خراسان واقع در بلوار سازمان آب خیابان هجرت ۱۲ ساختمان امور آب مشهد مراجعه و یا با شماره ۰۹۱۵۲۱۴۲۷۹۱ و همراه ۰۹۱۵۲۱۴۲۷۹۱ در وقت اداری تماس بگیرند.

**هیئت امنای تعاونی پنج گانه محله ۸ گلپار**

۱۳۸۱-۱۳۸۲

گزارش تاریخی

کمیته «آهن»

جایی برای خواندن فاتحه ایران!

بسیاری از ماطالبی درباره چگونگی به قدرت رسیدن رضاخان شنیده‌ایم؛ این که چطور در اواخر بهمن‌ماه سال ۱۲۹۹، طی دیداری با افسران انگلیسی در قزوین، مأمور حرکت به سمت تهران و همکاری با سیدضیاءالدین طباطبایی یزدی شد و توانست پس از انجام کودتای سوم اسفند، به مقام وزارت جنگ دست یابد و این کودتا، مقدمه‌ای برای صعود رضاخان به قدرت بود. با این حال، شاید کمتر شنیده باشید که یک تیم نسبتاً ورزیده از دیپلمات‌ها، نظامیان و سیاستمداران ایرانی وابسته به بریتانیا، مسئولیت طراحی جزئیات کودتا و اجرای آن را بر عهده داشته است. «کمیته آهن»، «کمیته فولاد» و «کمیته زرگنده» عنوان‌هایی است که معمولاً برای معرفی این تیم پشت پرده، استفاده می‌شود. اما این کمیته از چه افرادی تشکیل می‌شد و محل تشکیل آن کجا بود؟ به نوشته «یحیی دولت‌آبادی»، کمیته مدتی بعد، به دستور انگلیسی‌ها، به تهران منتقل و پس از انتخاب «سیدضیاء» به ریاست آن، منزل وی در «زرگنده» به مقر کمیته تبدیل شد. «کمیته آهن» با سفارت انگلیس، ارتباطات سیستماتیک و پنهان داشت. از اعضای برجسته آن، افزون بر «سیدضیاء» و «دولت‌آبادی»، می‌توان به «میرزا کریم‌خان رشتی»، «میرزا محمودخان مدیرالملک» (محمود جم)، «منوچهرخان» (طیب‌پژاندارمری)، «میرزا موسی خان» (رئیس خالصجات) و سرهنگ «مسعود کیهان» اشاره کرد. در جلسات سری کمیته، «آبرون‌ساید» به عنوان عضو خارجی شرکت می‌کرد. تعدادی از اعضای «کمیته آهن» در مرز نزدیکان رضاخان قرار گرفتند و برخی از آن‌ها مانند «محمود جم»، در دوران سلطنت پهلوی، به نخست‌وزیری رسیدند. با این حال، کمیته مذکور تنها برای برکنشیدن رضاخان به قدرت و حمایت از وی، فعال نبود. اعضای کمیته، مأموریت‌هایی را از سوی بریتانیا، برای سرکوب جنبش‌های آزادی‌خواهانه در ایران، به انجام رساندند. «یحیی دولت‌آبادی» در خاطراتش، به مأموریت کمیته در سرکوب جنبش «میرزا کوچک‌خان جنگلی» اشاره کرده است. «دولت‌آبادی» به نقش این کمیته مرموز در تغییر کابینه‌های پیش از به قدرت رسیدن رضاخان هم، اشاره می‌کند و می‌نویسد: «کمیته زرگنده، با همراهی انگلیسیان، سپهدار اعظم گیلانی را رئیس دولت می‌سازد. قسمتی از ملینون هم که با آن‌ها رابطه دارند، در خود را خوش می‌دارند که دوستان خود را به وزارت برسانند.»

**آگهی مناقصه عمومی ( دو مرحله ای توام با ارزیابی کیفی ) شماره ۹۸/۳۱۷**

**برگزار کننده مناقصه : شرکت توزیع نیروی برق استان خراسان شمالی**

موضوع مناقصه: مناقصه خرید چراغ ال ای دی ( شامل : ۵۰۰ دستگاه ۱۵۰ وات ، ۴۰۰۰ دستگاه ۸۰ وات ، ۳۰۰۰ دستگاه ۳۵ وات) توام با ارزیابی کیفی

**شرایط شرکت کنندگان در مناقصه :**

- مهلت خرید و محل دریافت اسناد : از تاریخ ۱۳۹۸/۰۸/۱۸ تا تاریخ ۱۳۹۸/۰۸/۲۲ از طریق سایتهای مربوطه و یا بجنورد انتهای خیابان طالقانی غربی - شرکت توزیع نیروی برق استان خراسان شمالی- امور تدارکات خواهد بود .
- تاریخ تحویل با کتهای مناقصه تا ساعت ۱۳:۰۰ روز پنج شنبه مورخ ۱۳۹۸/۰۹/۰۷ و زمان گشایش پاکات ساعت ۱۴:۰۰ روز دو شنبه مورخ ۱۳۹۸/۰۹/۱۱ همان روزویی باشد .
- مبلغ خرید اسناد ۵۰۰۰۰۰ ریال واریز به حساب سپهر ۰۱۰۱۸۰۶۱۲۰۰۰۹ بانک صادرات به نام وجاه امنای حاصل از سایر درآمدها • میزان تضمین شرکت در مناقصه (فرآیند ارجاع کار) مبلغ ۲,۵۴۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال می باشد که نحوه تهیه و ارائه آن در اسناد مناقصه اعلام شده است .
- به پیشنهادها قائد سپرده وامضاء ، شروط ، مخدوش و پیشنهاداتی که بعد از انقضای مدت مقرر در فراخوان واصل می گردد ، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد . سایر اطلاعات و جزئیات مربوط در اسناد مناقصه مندرج است .
- متقاضیان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۳۱ ۷۷ ۲۴ - ۵۸ تماس یا به آدرس اینترنتی : ۱- WWW.NKEDC.IR ۲- WWW.TAVANIR.ORG.IR ۳- WWW.IETS.MPORG.IR مراجعه نمایند .

**روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق استان خراسان شمالی**

**آگهی فراخوان مناقصه عمومی**

نوبت دوم

**شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی در نظر دارد اقلام مورد نیاز خود را با شرایط ذیل از طریق مناقصه عمومی تامین نماید:**

شماره تقاضا و مناقصه	شماره تقاضا و مناقصه
AM-۹۷۴۰۰۱-۹۷۴ ME مناقصه شماره ۹۸/۰۰۹/۸۵	
شرح مختصر اقلام درخواستی	
فیلتر عنصر آیر INTAKE FOR GAS TURBINE	
مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار	پس از اتمام مرحله ارزیابی صلاحیت، مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به میزان ۲۲۶/۰۰۰/۰۰۰ ریال می باشد
نوع تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار	تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار بصورت یکی از تضمین قابل قبول وفق آیین نامه تضمین شماره ۱۳۳۴۲۰۲/۱۳۳۴۹۰۵۰۶۵۹۲ ه مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ هیئت وزیران می باشد. تبصره: در صورت ارائه تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار بصورت وجه نقد، مبلغ نقدی می بایست به شماره حساب ۰۱۱۱۱۱۲۵۲۵۰۰۸ بنام پالایشگاه پنجم شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی بانک ملی ایران شعبه عسلویه واریز و فیش واریزی ارائه گردد.
مبلغ برآوردی مناقصه	۴/۵۱۱/۰۲۵/۰۰۰ ریال
تاریخ گشایش پاکت های فنی	۱۳۹۸/۱۱/۰۹
آخرین مهلت ارائه پیشنهادات	۱۳۹۸/۱۰/۲۴
آدرس و تلفن مناقصه گزار	استان بوشهر ، شهرستان عسلویه، منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس ، مجتمع گاز پارس جنوبی، پالایشگاه پنجم (فازهای ۹ و ۱۰)

مناقصه گران می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت [WWW.IETS.MPORG.IR](http://WWW.IETS.MPORG.IR) ، [WWW.TENDER.BAZRASI.IR](http://WWW.TENDER.BAZRASI.IR) ، [WWW.SPGC.IR](http://WWW.SPGC.IR) مراجعه و یا با شماره تلفن ۰۷۷۳۱۳۱۷۲۵۲ و ۰۷۷۳۱۳۱۳۱۷۲۵۱ تماس حاصل فرمایند.

**روابط عمومی شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی**